



رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی نسبت به بزه‌دیدگی جنسی زنان (با نگاهی به قوانین کیفری و رویه قضایی)

دکتر عباس شیخ‌الاسلامی^۱
فرهاد شاهیده^۲ ✉

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۳

چکیده

زنان سیبل اصلی بزه‌کاران در جرایم جنسی هستند. یکی از تحولات نوین در حوزه بزه‌دیده‌شناسی، رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی است. بزه‌دیده‌شناسی قانونی با فنون مختلف به دنبال بالارفتن سرعت و دقت در رسیدگی‌های کیفری و صدور آرا عادلانه است. در این راستا، مطالعه سبک و شیوه زندگی مشخص می‌کند که نوع زندگی زنان می‌تواند در افزایش میزان بزه‌دیدگی جنسی آنان مؤثر باشد. از طریق تهیه نیم‌رخ جنایی می‌توان ویژگی‌های مرتکبان و زنان بزه‌دیده جرایم جنسی را رمزگشایی کرد. با سنجش عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی، می‌توان علت‌شناسی و سپس از جرایم جنسی پیشگیری نمود. در پرستاری قانونی نیز دلایل ارتکاب جرم به صورت تخصصی جمع‌آوری می‌شود. تشخیص شکایت‌ها و دلایل واهی و فعال نمودن بزه‌دیدگان در ارائه ادله در فرایند تحقیقات هم می‌تواند سرعت و دقت رسیدگی به جرم را افزایش دهد. ثبت اظهارات و تجربه زنان بزه‌دیده و خانواده آن‌ها نیز می‌تواند به کشف جرم و صدور آرای عادلانه و در نتیجه کاهش اشتباهات قضایی کمک قابل توجهی نماید.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده‌شناسی قانونی، بزه‌دیدگی، جرایم جنسی، زنان، رویه قضایی

۱. دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی ✉ Farhad_shahideh@yahoo.com
(نویسنده مسئول)

مقدمه

مطالعه سیر توجه به بزه‌دیده در طول تاریخ حقوق کیفری و جرم‌شناسی بیانگر آن است که در سال ۱۹۴۸ میلادی، بزه‌دیده شناسی علمی (نخستین) نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم مورد توجه قرار گرفت. در این رویکرد از بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده، شخصیت او و رابطه وی با بزه‌کار در تکوین عمل مجرمانه مؤثر هستند (شاهیده و جوان جعفری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). بزه‌دیده‌شناسی نخستین می‌تواند منجر به سرزنش و مقصر انگاشتن بزه‌دیدگان در ارتکاب جرم شود (شاهیده، ۱۳۹۳: ۲۳). سپس با موج اعتراض فمینیست‌ها نسبت به این دیدگاه و تمایل به حمایت از بزه‌دیدگان و به‌ویژه زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی و توجه به حقوق فراموش شده آنان، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (ثانویه) شکل گرفت (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴). در حال حاضر سرنوشت بزه‌دیدگان به لطف موفقیت‌های بزه‌دیده‌شناسی بسیار تغییر کرده است (کاریو، ۱۳۸۸: ۸۹۰).

علوم جنایی تجربی یکی از زیرمجموعه‌های علوم جنایی است که عمل مجرمانه را به‌عنوان یک واقعیت انسانی، آن‌طور که ارتکاب یافته است از زاویه‌های مختلف مطالعه می‌نماید و به دو شعبه علوم جنایی اثباتی (علوم جرم یابی) و علوم جنایی تحلیلی-تفسیری تقسیم می‌شوند (لاسال، ۱۳۷۹: ۲۳۷). علوم جرم‌یابی یا علوم اثبات‌کننده بزه‌کاری دانشی است که به کشف بزه‌کاری، شناسایی بزه‌کاران، گردآوری دلیل‌های اثبات‌کننده بزه‌کاری و حفظ آثار جرم ارتكابی مبادرت می‌ورزد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۷۰). این تحولات سبب شده است تا قاضی بتواند با استفاده از دلایل علمی و کارشناسانه در زمینه احراز مجرمیت و اثبات جرم اقدام نماید. علوم جرم‌یابی به رشته‌های مختلفی از جمله سم‌شناسی، شیمی قانونی، پلیس علمی، پزشکی قانونی و ... تقسیم می‌شود. یکی از شاخه‌های نوین این رشته، بزه‌دیده شناسی قانونی^۱ است. هدف اصلی بزه‌دیده‌شناسی قانونی، اثبات جرم، پیشگیری از جرم و کاهش اشتباهات قضایی است (Turvey, 2009, 21).

زنان به‌دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی پیش‌زمینه قبلی برای بزه‌دیده واقع شدن را دارند و بر اساس یافته‌های جرم‌شناختی، بزه‌کاران بالقوه قربانیان خود را معمولاً از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آن‌ها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد. زنان به‌عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیر، آماج‌های مطلوبی برای آنان محسوب می‌شوند (زینالی، ۱۳۸۳: ۱۹۷). در این راستا، با توجه به این که گسترش جرایم جنسی علیه زنان موجب ایجاد نگرانی و ناامنی در کشورهای مختلف شده است و به یکی از دغدغه‌های حوزه‌های مختلف علوم جنایی تبدیل شده است، بزه‌دیده‌شناسی قانونی اهداف متعددی از جمله کاهش اطلاع در فرایند کشف جرم، شناسایی

1. Forensic Victimology

بزهکاران جرایم جنسی، بالا بردن ضریب صحت آراء صادره و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه زنان در جرایم جنسی را دنبال می‌کند.

بزه‌دیده‌شناسی قانونی دارای کارکردهای مختلفی از مرحله کشف جرم تا صدور رأی دارد. اقداماتی که در بزه‌دیده‌شناسی قانونی صورت می‌گیرد به دو دسته کل‌نگر و فردنگر تقسیم می‌شود. در اقدامات کل‌نگر، بزه‌دیده‌شناسان قانونی به صورت انتزاعی روش‌هایی جامع را در خصوص زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی مطالعه می‌کنند. مانند بررسی سبک زندگی زنان و نیم‌رخ جنایی آنان؛ اما در اقدامات فردنگر، متخصصان بزه‌دیده‌شناسی قانونی به صورت موردی و پس از ارتکاب جرم علیه بزه‌دیده معین، مطالعات و وظایف خود را آغاز می‌کنند.

بدین ترتیب، بزه‌دیده‌شناسی قانونی با به‌کارگیری پرستاری قانونی^۱ ضمن مراقبت از زنان بزه‌دیده جنسی که از جرم آسیب جسمانی یا روانی دیده‌اند، درصدد جمع‌آوری ادله قانونی است. همچنین، مطالعه شیوه زندگی^۲ آنان برای دستیابی به دلایل بزه‌دیدگی زنان به‌کار می‌رود. تهیه نیم‌رخ جنایی نیز برای کشف جرم و مرتکبان و ارائه ویژگی‌های زنان بزه‌دیده می‌باشد. ارزیابی عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی زنان می‌تواند نقش مهمی در تشخیص احتمال بزه‌دیدگی برخی از آنان داشته باشد. گاهی زنان به دلایل مختلف اقدام به طرح شکایات واهی می‌کنند که راهکارهای بزه‌دیده‌شناسی قانونی می‌تواند در تشخیص آن راهگشا باشد. علاوه بر این، در فرایند دادرسی کیفری، به زنان بزه‌دیده در بیشتر مواقع فقط در زمان اعلام شکایت برای به‌کار انداختن چرخ دنده‌های دستگاه عدالت کیفری در تعقیب جرم توجه می‌شود (بند الف ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) و پس از آن در عمل به فراموشی سپرده می‌شوند، درحالی‌که بزه‌دیده معمولاً بهترین موقعیت را برای ارائه اطلاعات در خصوص جنبه‌های مختلف رویداد به مقام‌های تحقیق، مقام تعقیب و دادگاه دارد (شایان، ۱۳۸۴: ۸۲). به عبارت دیگر، بزه‌دیده باید از نقش شاهد و تماشاگر دادرسی خارج شده و دارای قدرت کیفری شود. پس بزه‌دیده می‌بایست در دادرسی کیفری دارای نقش فعالی بوده و قدرت ارائه ادله، سؤال از متهم و اعتراض به نحوه تحقیقات مقدماتی و ... را داشته باشد. بدین ترتیب، توجه به اظهارات بزه‌دیدگان و خانواده آن‌ها اهمیت زیادی دارد. با توجه به شرحی که گذشت، نوپا بودن علوم اثباتی در حوزه حقوق کیفری ایران، نیاز به توجه بیشتر به دلایل علمی و تخصصی در کشف جرم، اهمیت کشف جرایم جنسی که تهدیدکننده امنیت اخلاقی و روانی جامعه می‌باشد، خلأهای موجود در خصوص نقش زنان بزه‌دیده در فرایند تحقیقات جنایی و رسیدگی کیفری بیانگر ضرورت این جستار می‌باشد.

1. Forensic nursing
2. Life style

در این پژوهش به دنبال آن هستیم که ضمن تحلیل فنون و کاربردهای بزه‌دیده‌شناسی قانونی، بررسی نماییم که تا چه اندازه در مقررات کیفری ایران به این موضوع توجه شده است. همچنین، با واکاوی برخی آرا کیفری دادگاه‌ها، آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی در خصوص بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی ارزیابی خواهد شد.^۱ در این راستا، ابتدا اقدامات کل‌نگر بزه‌دیده‌شناسی قانونی در قالب مطالعه سبک و شیوه زندگی زنان، تهیه نیم‌رخ جنایی و ارزیابی عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی بررسی خواهد شد. سپس، اقدامات فردنگر در قالب به‌کارگیری پرستار قانونی، تشخیص شکایات و دلایل واهی در فرآیند دادرسی و در نهایت، توجه به اظهارات بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم مطالعه خواهد شد.

۱. اقدامات کل‌نگر بزه‌دیده‌شناسی قانونی

بزه‌دیده‌شناسی قانونی با نگاه کل‌نگرانه به زنان در جرایم جنسی به دنبال ترسیم مدل‌های بزه-دیدگی زنان و کشف فهرستی جامع از ویژگی‌های زنانی است که در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. در این راستا، بزه‌دیده‌شناسی قانونی استانداردهایی فراگیر را با مطالعه سبک و شیوه زندگی زنان، نیم‌رخ جنایی آنان و عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی تهیه کرده تا بتواند در پیشگیری از جرایم جنسی و دستیابی به مرتکبان آن به دستگاه عدالت کیفری کمک نماید.

۱.۱. واکاوی سبک و شیوه زندگی زنان

نظریه شیوه و سبک زندگی یکی از اولین تلاش‌ها در راستای تبیین بزه‌دیدگی می‌باشد (Meier & Trance, 1993: 459). این نظریه به گات فردسن^۲ و هیندلانگ^۳ منسوب است. در این رویکرد، برخی افراد به شیوه‌ای زندگی می‌کنند که امکان بزه‌دیدگی آن‌ها را افزایش می‌دهد. در این حالت برخی سبک‌های زندگی فرصت‌های جرم را ایجاد می‌کنند (Bennet, 1998: 370). از این رو، سن، نژاد، مجرد یا متأهل بودن، جنسیت و میزان درآمد افراد می‌تواند بر نرخ بزه‌دیدگی آن‌ها تأثیرگذار باشد. نظریه سبک زندگی به درستی به این موضوع اشاره دارد که مکان و چگونگی گذراندن زمان کار و فراغت اشخاص، تحت تأثیر ویژگی‌های وضعیتی آن‌ها مانند سن و جنسیت قرار می‌گیرد و الگوهای بزه‌دیدگی آن‌ها را تعیین می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۴۸۶). بدین ترتیب، نظریه

۱. با توجه به قابل دسترس بودن آراء دادگاه‌های کیفری شهرستان مشهد، این دسته از آراء در مقاله حاضر بررسی شده است.

2. Gottfredson
3. Hindelang

حاضر بیان می‌دارد که بزه‌دیدگی امری تصادفی نیست بلکه باید ارزیابی و پیش‌بینی شود. لذا می‌تواند در سنجش امکان بزه‌دیدگی و پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیرانه نیز اثربخش باشد. یکی از کارکردهای بزه‌دیده‌شناسی قانونی، مطالعه عوامل بزه‌دیدگی است که می‌تواند از طریق تحلیل وقایع و شرایط سبک زندگی آنان به دست آید. البته این رویکرد برخلاف بزه‌دیده‌شناسی نخستین^۱ (علمی) به دنبال سرزنش بزه‌دیدگان به دلیل سبک زندگی‌شان نیست، بلکه تهیه بی-طرفانه مستندات است و به عبارت دیگر، بزه‌دیده‌شناسی قانونی قضاوت ارزشی نمی‌کند و بیان ارائه می‌کند.

بزه‌دیده‌شناس قانونی سعی دارد تا پاسخ دهد که چرا برخی افراد بیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. در اینجا است که بزه‌دیده‌شناسی نخستین که به دنبال تبیین نقش بزه‌دیده در فرایند ارتکاب جرم است محل بحث قرار گرفته و بزه‌دیده‌شناسی قانونی می‌بایست از داده‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین استفاده نماید.

برای نمونه در پرونده شماره ۵۰...۸۹ آقای «ک» با خانم «م» که زن جوان و مطلقه می‌باشد آشنا شده و تحت عنوان خواستگاری با وی وارد مذاکره شده و سپس از وی عکس‌های مبتذل گرفته و تا مدتی با تهدید به انتشار آن، با وی رابطه نامشروع برقرار می‌نموده و از وی اخاذی می‌کرده است و خانم «م» نیز از نامبرده به اتهام رابطه نامشروع و اخاذی شکایت می‌نماید. در نهایت، مشخص می‌شود که متهم در خیابان یا دانشگاه خود را دانشجوی معرفی می‌نموده و پس از رابطه دوستی از زنان سوءاستفاده‌های مالی و جنسی می‌نموده است و با توجه به سبک زندگی خانم «م» که در ارتباط با مردی بیگانه احتیاط‌های لازم را اتخاذ ننموده است بیشتر به ارتکاب جرم سوق داده شده است. به‌طور کلی عوامل سبک زندگی می‌توانند از سه طریق موجبات بزه‌دیدگی زنان را فراهم کنند: از راه ایجاد درگیری با مجرم، از راه افزایش حضور قربانی در محله‌های مجرمان یا افرادی که شرایط جنایت را مهیا می‌کنند و از طریق افزایش آگاهی مجرم نسبت به آسیب‌پذیری زنان (Patherick & et al, 2010: 226). در این نظریه چهار مفهوم استفاده شده است تا ارتباط بین سبک زندگی و خطر بزه‌دیدگی زنان شرح داده شود:

۱. نزدیکی به جنایت: به معنای مجاورت و ارتباط با بزه‌کار است که در این پرونده خانم «م» با بزه‌کار دارای ارتباط بوده و سابقه آشنایی داشته است.

۲. مواجهه با جنایت: زنان بزه‌دیده می‌توانند در ارتکاب جرایم جنسی فعال و یا منفعل باشند (Rock, 2007: 37-61). در این پرونده خانم «م» هر دو نقش را داشته است. زیرا از یک‌طرف، ایشان مطلقه بوده است و به همین دلیل ممکن است نسبت به زنان دوشیزه کمتر فرصت ازدواج

1. Primary Victimology

پیدا نماید و با اظهار تمایل جوانی واکنش سریع نشان داده و آمادگی خود را برای ازدواج اعلام نموده و از این جهت بدون اطلاع از قصد واقعی وی مقدمات بزه‌دیدگی خود را فراهم نموده است، اما این که نامبرده در منزل آقای «ک» حاضر شده است نقش فعالی را در بزه‌دیدگی خویش ایفا کرده است.

۳. جذابیت‌های هدف: در این مفهوم برخی زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی جذابیت‌هایی دارند که موجب کشش بزهکار به سوی آن‌ها شده است.

۴. قیومیت (سرپرستی): زنانی که به‌تنهایی زندگی می‌کنند و از خانواده خود دور هستند هدف‌های مناسبی برای بزه‌دیدگی هستند. در این خصوص بزهکار از این که خانم «م» مطلقه می‌باشد و تنها زندگی می‌کند، استفاده کرده و با تهدید به انتشار عکس‌های مبتذل وی، علاوه بر اخاذی از او سوءاستفاده جنسی نیز کرده است.

با نگاهی به رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قانونی می‌توان گفت که سبک و شیوه زندگی خانم «م» از طریق رفتارهای جرم‌زا مانند عدم رعایت پوشش صحیح و دوستی و ارتباط نامتعارف با متهم موجب تسریع فرآیند ارتکاب جرم شده است. مجرد زیستن، معاشرت با مردان جوان، زندگی در شهرهای بزرگ همگی از رفتارهای تحریک‌آمیزی است که به‌صورت ناآگاهانه وقوع جرم را تسهیل می‌کنند (Gottfredson, 1984: 31). بدین ترتیب، سبک و شیوه زندگی زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی مورد مطالعه بزه‌دیده‌شناس قانونی قرار می‌گیرد تا منجر به تهیه اطلاعاتی جامع شود و به تشخیص صحیح قضایی کمک کند. چه آنکه در صورت توجه به داده‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی در این پرونده، شاید خانم «م» به اتهام ارتباط نامشروع با آقای «ک» محکوم نمی‌شد.

۲.۱. تهیه نیم‌رخ جنایی در جرایم جنسی

یکی از دلایل عدم موفقیت در مبارزه با ارتکاب جرایم جنسی علیه زنان، ضعف در استفاده از روش‌های نوین شناسایی بزهکاران این دسته جرایم است. به‌عبارت‌دیگر، دستگاه عدالت کیفری نتوانسته است در کنار رشد علوم جنایی، به پرورش فنون نوین کشف جرم و مجرمان بپردازد. از این‌رو، روش دیگر مطالعات و اقدامات کل‌نگر بزه‌دیده‌شناسی قانونی، تهیه نیم‌رخ زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی است. نیم‌رخ سازی جنایی^۱ در اصطلاح عبارت است از: «ایجاد طرح کلی از ویژگی‌های احتمالی بزهکاران از طریق ماهیت جرم ارتكابی، ویژگی‌های بزه‌دیدگان و دلایل جمع‌آوری شده از صحنه ارتکاب جرم» (Matsumoto, 2009: 401). به‌عبارت‌دیگر، نیم‌رخ جنایی روش بالارزشی است که موجب آگاهی بیشتر مقامات قانونی در فرآیند تحقیقات جنایی می‌شود (Kocsis, 2007: 49).

1. Criminal Profiling

با توجه به این که مرتکبان در جرایم جنسی به‌سختی قابل شناسایی هستند؛ لذا به دنبال نشانه‌هایی هستند که بتوانند از این دسته جرایم رمزگشایی کنند. مصاحبه با زنان بزه‌دیده، بررسی صحنه ارتکاب جرم، مطالعه پیشینه روانی و اجتماعی بزهکار و ویژگی‌های ظاهری و شخصیتی وی از این قبیل نشانه‌ها هستند. برای نمونه بخش زیادی از این بزه‌دیدگان، زنانی هستند که جوان بوده و ازدواج نکرده‌اند و از نظر اقتصادی درآمد پایینی دارند (دی میت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۸). پس اگر فرض کنیم مرتکب تجاوز جنسی دارای منطقی حسابگر است، لذا باید به راهبردهای انتخاب آماج توسط وی توجه نماییم. مجرمان جنسی قربانیان خود را از میان افرادی انتخاب می‌کنند که بی‌دفاع باشند. یعنی دسترسی به آن‌ها سهولت داشته باشد که در این بین شرایط زمانی و مکانی نقش مؤثری در آن دارند. با وجود این، جذابیت‌های قربانی و انگیزه‌های خاصی که ممکن است هر مرتکب داشته باشد نیز در انتخاب قربانی نقش خواهد داشت.

بدین ترتیب، بزه‌دیده‌شناسی قانونی با بررسی زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی به دنبال ایجاد نیم‌رخ جنایی در این دسته از جرایم می‌باشد. البته نکته مهم در مورد نیم‌رخ جنایی آن است که این روش آن‌چنان دقیق نیست که بتواند فرد مشخصی را به‌عنوان مرتکب جرم معرفی نماید، بلکه می‌تواند محدوده‌ای از مظنونان جرایم جنسی در شرایط زمانی و مکانی معین را اعلام کند تا دست‌اندرکاران کشف جرم بتوانند مرتکبان را شناسایی کنند. در این راستا، کوتاه‌تر شدن زمان تحقیقات جنایی و کشف علمی و دقیق جرایم جنسی فایده اصلی به کار بردن نیم‌رخ جنایی به‌عنوان یکی از فنون بزه‌دیده‌شناسی قانونی می‌باشد (Muller, 2011: 236).

تکنیک‌های فوق‌عمدتاً دو هدف را در جرایم جنسی علیه زنان دنبال می‌کنند: نخست آن‌که، در بزه‌دیده‌شناسی قانونی ویژگی‌های روانی و اجتماعی گروه‌های خطرناک ارزیابی می‌شود. بدین صورت که طراح نیم‌رخ جنایی با تمرکز بر بزهکاران جرایم جنسی، فهرستی از ویژگی‌های آن‌ها را تهیه می‌نماید. گروه سنی، وضعیت تأهل، مذهب، جایگاه اجتماعی، تحصیلات، مصرف مواد مخدر و الکل، میزان وابستگی به خانواده، اختلالات رفتاری و روانی و... باید توسط یک طراح به تصویر کشیده شود. دومین هدف آن است که طراحان نیم‌رخ جنایی، انواع راهبرد اصلی را برای مأموران بازجویی فراهم کنند. در واقع طراح نیم‌رخ جنایی مغز متفکر گروه تحقیقاتی است و باید در هر مورد نسخه مجزایی ارائه کند، زیرا تجربه ثابت کرده مرتکبان جرایم جنسی به یک نحو به پرسش‌ها پاسخ نمی‌دهند (کوره پز، ۱۳۹۴: ۱۰۲-۱۰۱).

هرچند شاید نتایج حاصل از نیم‌رخ جنایی آن‌چنان دقیق نباشد که بتواند به‌عنوان دلیل قانونی در دادگاه کیفری مورد استناد قرار گیرد، اما می‌توان از آن به‌عنوان یک رویکرد علمی در تحقیقات جنایی بهره برد. این فن از فنون بزه‌دیده‌شناسی قانونی از آن جهت می‌تواند بر تحقیقاتی که صرفاً

توسط پلیس انجام می‌شود برتری داشته باشد که عاری از اهدافی از قبیل نشان دادن شایستگی در کشف جرم و گرفتن مزایای بیشتر به خاطر آن است. در نهایت، بهتر است بزه‌دیده‌شناس قانونی با فنون علمی و پلیس با روش‌های تجربی، در جهت کشف جرایم جنسی علیه زنان ارتباط کارآمدی با یکدیگر داشته باشند.

۳.۱. ارزیابی عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی

زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی خواسته یا ناخواسته می‌توانند نقش مؤثری در بزه‌دیدگی خود داشته باشند. این تأثیرگذاری می‌تواند کنشگر (فعال) یا کنش‌پذیر (منفعل) باشد (Siegel, 2016: 55). در تأثیرگذاری کنشگر، زنان ممکن است با نیت بزه‌دیده شدن به صورت آگاهانه به ارتکاب جرایم جنسی کمک کنند. در این راستا، زنان بزه‌دیده آگاهانه با تحریک و تشویق بزهکار بالقوه، خود را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند که زمینه اصلی وقوع جرایم جنسی را فراهم آورند. امیر^۱، در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ به دنبال مطالعات بزه‌دیده شناختی خود، به‌طور ضمنی این اندیشه را مطرح کرد که در جرایم جنسی، چه بسا خود زنان بزه‌دیده در تحمل جرم به نوعی مرتکب کوتاهی یا تحریک شده باشد. از دیدگاه او زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی همیشه بی‌گناه و منفعل نیستند و اغلب با رفتارهایی که از طرف مجرمان به اشتباه به‌عنوان دعوت یا فرصت تعبیر می‌شود، در بزه‌دیدگی‌شان تأثیرگذارند (Amir, 1971: 259-264).

گاهی نیز زنان با تأثیرگذاری کنش‌پذیر زمینه ارتکاب جرایم جنسی را فراهم می‌کنند. بدین صورت که آنان ممکن است بدون قصد و با توجه به خصوصیت شخصی یا وضعیتی که دارند، استعداد خاص و آمادگی لازم برای بزه‌دیده واقع شدن را در زمینه جرایم جنسی ایجاد کنند. همچنین، وجود یا همراهی عناصر جذاب در آنان می‌تواند ناخواسته بزهکاران بالقوه را به ارتکاب این دسته از جرایم تحریک کند.

یافته‌های یکی از تحقیقاتی که در شهر تهران بر اساس مصاحبه با ۶۵ زن ۱۹ تا ۶۰ ساله انجام شده نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان، قربانیان اصلی جرایم علیه زنان را بانوان و دختران جوانی می‌دانند که خودشان نیز در ارتکاب جرایم جنسی نقش مؤثری دارند. همچنین، آن‌ها عوامل فردی نظیر بی‌احتیاطی و بی‌ملاحظگی، نوع فعالیت روزمره، نوع رفتار و پوشش زنان و دختران را، از یک سو و ناکارآمدی و یا نبودن قوانین حمایتی و اجتماعی، عدم آموزش روش‌های دفاع از خود، درهم‌ریختگی فضای شهری، وجود مکان‌های جرم‌خیز و مخفی نظیر زیرگذرها و معابر تاریک، وجود نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی نظیر بزهکاری و فقر را در کنار ویژگی‌های فیزیولوژیک و

1. Amir

زیستی، از سوی دیگر در زمره از جمله مهم‌ترین دلایل قربانی شدن زنان می‌دانند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰: ۳۹).

در این راستا، متخصصان بزه‌دیده‌شناسی قانونی می‌بایست موارد ذیل را جهت کشف جرم و شناسایی مرتکبان جرایم جنسی مد نظر قرار دهند:

۱. هم‌جواری و نزدیکی:^۱ در اکثر جرایم جنسی، ممکن است ابتدا برقراری تماس جسمی با زنان وجود داشته باشد. بزه‌دیده‌شناسی قانونی به دنبال آن است که آیا بین بزه‌دیده و بزهکار ارتباط فیزیکی بوده است؟ آیا این ارتباط و نزدیکی بین طرفین جرم در ارتکاب جرم مؤثر بوده است؟

۲. قابلیت دسترسی:^۲ در بسیاری موارد در دسترس بودن زنان بزه‌دیده نقش مهمی در گرایش بزهکار به ارتکاب جرم دارد. در بزه‌دیده‌شناسی قانونی متخصصان فهرستی از عوامل زمانی و مکانی و ویژگی‌های شخصی و اجتماعی زنان بزه‌دیده را تهیه می‌کنند تا در نهایت آشکار شود، زنی که بزه‌دیده جرایم جنسی شده است چه ویژگی‌هایی از این حیث داشته است. برای نمونه در پرونده شماره ۹۰۰۰۰۴...۹۰ خانم «الف» متأهل و ۱۸ ساله، پس از آشنایی با آقای «ن»، شب‌هنگام سوار خودروی او شده و به محل خلوتی برای قدم زدن در اطراف شهر می‌روند. در این حین پس از آمدن دوستان آقای «ن»، همه آنان طبق اظهارات خانم «الف» با وی رابطه جنسی برقرار می‌کنند و وی شب نیز به خانه آنان می‌رود که همگی دستگیر می‌شوند. خانم «الف» در طی تحقیقات اظهار داشت که آدم‌ربایی نبوده و با رضایت خود سوار خودرو شدم، اما به زنا رضایت نداشتم و متهمین مرتکب تجاوز به عنف شده‌اند. متهمین پرونده با توجه رابطه قبلی و آشنایی با وی و در دسترس بودن وی در زمان و مکانی مناسب که خلوت و در اطراف شهر بوده است، وی را انتخاب نموده و مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند. بدین ترتیب، زانی که بدون احتیاط سوار اتومبیل افراد ناشناس می‌شوند و یا شب‌هنگام به تنهایی در مکان‌های خلوت و فاقد روشنایی رفت‌وآمد می‌کنند، امکان دسترسی را برای بزهکاران بالقوه فراهم می‌نمایند. در بزه‌دیده‌شناسی قانونی انگیزه مرتکبان جرایم جنسی ارزیابی می‌شود و مکان‌ها و زمان‌های پر خطر و جرم‌زا نیز در جرایم جنسی علیه زنان شناسایی می‌شوند تا به کمک تحقیقات جنایی پلیس بشتابد.

۳. جذابیت بزه‌دیده:^۳ از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی قانونی در جرایم جنسی علیه زنان، جذابیت جسمی و ویژگی‌های بزه‌دیده، مانند ظاهر و حتی لحن تحریک‌کننده آنان می‌بایست بررسی شوند تا منجر به رمزگشایی از جرم ارتکابی شود.

1. Proximity
2. Accessibility
3. Attractive

۴. قابلیت کنترل:^۱ در جرایم جنسی، معمولاً زمانی بزه دیده واقع می‌شوند که امکان رؤیت پذیری که در آن امکان کشف جرم به دلایل مختلف از جمله نبود گشت‌های مراقبتی پلیس کم است، پایین باشد و قابلیت کنترل آنان بالا باشد. بدین ترتیب، بزهکاران با استفاده از تحلیل‌های هزینه-فایده احتمال تعقیب جرم ارتكابی توسط کنش‌گران عدالت کیفری را مورد بررسی قرار می‌دهند. چنانچه احتمال تعقیب به دلایلی چون رؤیت پذیری جرم، گشت‌های مراقبتی پلیسی و ... بالا باشد، بزهکاران از ارتكاب جرم انصراف می‌دهند و در عوض چنانچه احتمال تعقیب پایین باشد، بزهکاران بالقوه با انتخاب آماج مناسب، به‌سوی اعمال مجرمانه روی می‌آورند.

۵. ارتباط میان بزه‌دیده و بزهکار:^۲ بزه‌دیده‌شناسی قانونی بررسی می‌کند که آیا بزه‌دیده و بزهکار از قبل با یکدیگر ارتباط داشته‌اند یا خیر؟ به‌موجب تحقیقاتی که در ارتباط با تجاوزهای جنسی در کشورهای غربی انجام شده است، مشخص گردیده که نزدیک به دو سوم از تجاوزها توسط مرتکبان آشنا (شامل دوستان، آشنایان، عشاق صمیمی و خویشاوندان) صورت گرفته است و بر عکس، یک‌سوم از مرتکبان این جرایم، اشخاص بیگانه بوده‌اند (Ulman & et al, 2006). (798 از این‌رو، پیشینه تعامل زنان با مردان می‌تواند منجر به افزایش خطر بزه‌دیدگی‌شان شود. بررسی پویایی روابط بین زنان بزه‌دیده و مرتکبان جرایم جنسی کلیدی برای پاسخ به پرسش‌هایی است که در طول تحقیقات جنایی مطرح می‌شوند.

۲. اقدامات فردنگر بزه‌دیده‌شناسی قانونی

اقدامات و مطالعات فردنگر بر موارد بزه‌دیدگی زنان به‌صورت موردی اشاره دارد که پس از ارتكاب جرم شروع شده و به دنبال حمایت از زنان بزه‌دیده و کشف جرم از طریق خود آنان و تشخیص ادعاهای کذب زنان از واقعیات و مطالعه اظهارات بزه‌دیده و خانواده وی است.

۱.۲. به‌کارگیری پرستار قانونی

پرستاری قانونی محل تلاقی علم پزشکی و علوم جنایی است که از اواخر قرن بیستم در آمریکا مورد توجه قرار گرفت و انجمن بین‌المللی پرستاران قانونی^۳ نیز در این کشور قرار دارد. به‌عبارت دیگر پرستاری جنایی نقشی اساسی در پر کردن فاصله حقوق و پزشکی بازی می‌کند. اغلب زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی نیازمند مراقبت‌هایی هستند که این امر توسط پرستاران جنایی صورت می‌گیرد. آنان ضمن انجام مراقبت‌های پزشکی از این دسته زنان که آسیب‌های

1. Manageability
2. Relationship
3. International Association of Forensic Nurses

جسمانی و روانی دیده‌اند، می‌بایست در خصوص سرزنش‌های احتمالی جامعه، خانواده و رسانه‌ها نیز زنان بزه‌دیده را حمایت کنند.

اصطلاح «سرزنش بزه‌دیدگان» به جریانی اشاره دارد که بزه‌دیدگان را به دلیل سرنوشت شومشان سرزنش می‌کند (Henning & Holdford, 2006: 110-130). مهم‌ترین پیامد سرزنش زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی در عدم گزارش جرایمی که علیه آنان ارتکاب می‌یابد. بزه‌دیدگانی که واکنش‌های منفی دریافت کنند، در صورت بزه‌دیدگی احتمالی در آینده کمتر تمایل خواهند داشت تا جرایم بعدی را گزارش دهند (George & Martinez, 2002, 310-314). این امر می‌تواند منجر به مشکل رقم سیاه و مشخص نشدن آمار بزهکاری واقعی در زمینه جرایم جنسی علیه زنان شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

پرستاران قانونی دنبال جمع‌آوری ادله‌ای هستند که بتوانند در کشف جرم و تعیین مرتکب آن به دستگاه عدالت کیفری کمک نماید (Hammer & et al, 2011: 3). به عبارت دیگر، پرستاری قانونی نقشی فراتر از مراقبت‌های درمانی دارد و این قبیل از پرستاران، متخصصانی هستند که در سیستم قضایی فعالیت داشته و در جمع‌آوری مستندات و ارزیابی آن‌ها آموزش‌های لازم را دیده‌اند. از آنجاکه یکی از راه‌های اطلاع از وقوع جرم، گزارش آن توسط بزه‌دیدگان می‌باشد و تا گزارش نشود پرستاری قانونی نیز تبعاً نمی‌تواند به وظیفه خود عمل نماید، لذا باید موانع گزارش دهی را ابتدا شناسایی کرد. جنسیت، معذوریات موجود در روابط دوستانه و خانوادگی بزه‌دیده و بزهکار، شرایط اقتصادی و اجتماعی و پیش‌داوری موانع مهمی هستند که باید برداشته شوند. ایجاد حس اعتماد، آرامش و احترام به بزه‌دیدگان باعث می‌شود تا آن‌ها با شجاعت جرم ارتكابی را گزارش کنند و در این راستا پرستاران قانونی می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد احساس امنیت ایفا نمایند. پس از اطلاع از وقوع جرم، پرستار قانونی باید فهرستی از اطلاعات را جمع‌آوری کند که آیا بزه‌دیده مرتکب را می‌شناسد؟ آیا بزه‌دیده سابقه بزه‌دیدگی و گزارش جرم را داشته است؟ آیا بزه‌دیده از مشکلات روانی رنج می‌برد؟

در این راستا، نهاد ملی عدالت^۱ در آمریکا در سال ۱۹۹۹ مواردی که باید از زنان بزه‌دیده تحقیق شود را ارائه نموده است:

۱. تعیین ویژگی‌های فیزیکی بزه‌دیده (نژاد، وزن، قد، رنگ مو، چشم و ...).
۲. تعیین محل کار و سکونت بزه‌دیده.
۳. فهرستی از عادات و فعالیت‌های روزانه بزه‌دیده.
۴. اسامی دوستان و خانواده بزه‌دیده.

1. National institute of Justice.

۵. سابقه پزشکی، اخلاقی و اجتماعی بزه‌دیده.

۶. سابقه بزه‌دیدگی بزه‌دیده (Patherick, 2009: 91).

پرستاران قانونی بعد از انجام اقدامات اولیه پزشکی در مورد زنان آسیب‌دیده در جرایم جنسی، با مقامات قضایی مشورت کرده و اطلاعات لازم را به آن‌ها برای پرونده کیفری ارائه می‌دهند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌باشد این است که آیا قانون‌گذار ایران نیز در قوانین کیفری به این موضوع توجه داشته است؟ با توجه به نوپا بودن این نهاد جدید از علوم پزشکی که در خدمت حقوق کیفری درآمده است در قوانین ایران چنین نهادی پیش‌بینی نشده است، اما با تدقیق در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان مواردی را مشاهده کرد که بتوان تا حدودی آن را با پرستاری قانونی تطبیق داد.

مقام قضایی در شروع تحقیقات مقدماتی^۱ و در صورتی که اظهارنظر علمی یا فنی لازم باشد، طبق ماده ۱۲۸ قانون فوق‌الذکر از کارشناس رسمی مانند پزشک دعوت می‌نماید. یکی از این متخصصان می‌تواند پرستارانی باشند که دوره‌های آموزشی لازم را در زمینه معاینات پزشکی و روانشناسی و مستندسازی یافته‌های معاینه برای ارائه به مقام قضایی سپری کرده‌اند. همچنین طبق ماده ۱۳۰ همان قانون، صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و ... عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت مقام قضایی بررسی شود.

از آنجا که پرستاران قانونی بدن بزه‌دیده را بخش اصلی صحنه جنایت می‌دانند از این‌رو در معاینات پزشکی می‌بایست تمام جزئیات را در نظر بگیرند و برای بررسی صحنه جنایت نیز می‌توانند طبق این ماده به کمک مقام قضایی بشتابند. پرستاران قانونی علاوه بر معاینه صدمات

۱. البته طبق ماده ۱۰۲ همان قانون «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود». تبصره ۱ این ماده که در سال ۹۴ اصلاح گردید مقرر می‌دارد: «در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند». همچنین، طبق ماده ۳۰۶ «به جرایم منافی عفت به‌طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود. تبصره - منظور از جرائم منافی عفت در این قانون جرایم جنسی حدی، هم‌چنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است.» در خصوص انجام تحقیقات مقدماتی طبق نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۹۳/۲۴۶۲ مورخ ۹/۱۰/۹۳: ... انجام تحقیقات مقدماتی در مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود توسط دادگاه مطابق مقررات مربوط صورت می‌گیرد؛ بنابراین قضات دادگاه‌ها که وظیفه تحقیقات مقدماتی در جرایم مذکور را به عهده دارند در جرایمی که در مرئی و منظر عموم واقع می‌شوند، همان اختیارات مقامات دادسرا را دارا می‌باشند.

جسمانی که در صدر ماده ۱۳۶ قانون مذکور آمده است می‌توانند در آسیب‌های روانی نیز اظهار نظر کنند. البته هرچند ماده ۱۳۶ از اخذ نظر پزشکی قانونی توسط مقام قضایی سخن به میان آورده است، اما می‌توان با تربیت و آموزش پرستاران قانونی در قالب نهادی در زیر مجموعه پزشکی قانونی به کشف علمی جرایم در تحقیقات جنایی رسید.

برای نمونه، در پرونده شماره ۵۸...۸۷ خانم «ش» که دارای وضعیت روانی متزلزل بوده است در سال ۸۵ از منزل خارج شده و عده‌ای در دفعات مختلف با وی مرتکب زنا می‌شوند و در بار آخر که در باغ مخروبه‌ای این عمل با وی صورت می‌گیرد، نامبرده با شکایت از تمامی افراد مدعی تجاوز به عنف می‌شود. دادگاه کیفری استان نیز آنان را به دلیل تجاوز به عنف به اعدام محکوم می‌کند؛ اما پس از تجدیدنظرخواهی، دیوان عالی کشور استدلال کرد که همراهی خانم «ش» با مرتکبان و حضور وی در مکان‌های خلوت با آنان نشان‌دهنده رضایت و رغبت وی است. ضرورت وجود نهاد پرستاری قانونی در این خصوص این چنین توجیه می‌شود که پرستار قانونی می‌تواند ضمن مراقبت جسمی و روحی از خانم «ش»، وی را مورد کالبد شکافی روانی قرار داد دهد یعنی تفکرات، احساسات و رفتار او را تجزیه و تحلیل کند. همچنین، با بررسی بالینی خانم «ش» مانند ثبت رفتار بیمار (مانند گریه، لرزش یا علائم ناراحتی) در هنگام معاینه و ثبت اظهارات وی (Lynch, 1995: 500)، امکان یا عدم امکان تحقق رضایت یا عدم رضایت از جانب چنین شخصی با احتمال خطای پایین قابل تشخیص بود. از طرف دیگر، پرستار قانونی می‌تواند با معاینه فیزیکی بدن بزه‌دیده که خود در تجاوزات جنسی یک صحنه جرم است یافته‌های معاینه را مستند نماید تا درستی یا کذب بودن اظهارات وی مشخص شود (Turvey, 2008: 55).

در این راستا، بزه‌دیده‌شناسی قانونی پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که آیا بزه‌دیده سابقه گزارش جرم نادرست را دارد؟ و آیا بزه‌دیده در هنگام ارتکاب عمل مجرمانه هوشیار بوده است؟ در این پرونده در صورت استفاده از آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی مانند پرستاری قانونی، شاید دیوان عالی کشور حکم دیگری مبنی بر ابرام تجاوز به عنف صادر می‌کرد.

۲.۲. تشخیص شکایات و دلایل واهی در فرایند دادرسی

دادستان نماینده جامعه و حکومت است و در کل، وظیفه وی پاسداری از منافع دولت و شهروندان است. از همین رو، در جرایم جنسی، تمرکز بر رفتار غیرمعقول متهم است و نه بر صدمه جسمانی و روانی بزه‌دیدگان و حتی لزومی به اثبات این صدمات نیست (میر محمدصادقی، ۱۳۹۱: ۲۳). اما از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی قانونی، در فرآیند دادرسی کیفری که ناظر به جمع‌آوری ادله و بررسی ابعاد بزه است زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی باید مورد توجه قرار گیرند تا روند دادرسی و شناسایی

بزهکار و تعیین مجازات وی سرعت گیرد. اگر به حق مورد توجه قرار گرفتن در فرایند دادرسی کیفری اهمیت داده نشود، بزه‌دیدگی پنهان در جامعه افزایش می‌یابد (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۷). از این‌رو، در بسیاری موارد ممکن است زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی، مقامات قضایی را نسبت به نگرانی‌های خود بی‌تفاوت بدانند و متهمان را در توازن قدرت در دادگاه بسیار قوی‌تر از خود تلقی کنند (Pokorak, 2007: 695).

حالت انفعالی بزه‌دیده در فرایند تحقیقات جنایی و دادرسی کیفری از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی قانونی قابل قبول نبوده و این گرایش از علوم جنایی اثباتی به دنبال فعال نمودن نقش بزه‌دیده در اثبات جرم است. متخصصان این حوزه معتقدند که نباید زنان بزه‌دیده صرفاً به‌عنوان یک آغازگر شکایت تلقی شوند و می‌بایست حق شهادت در فرایند دادرسی کیفری را داشته باشد حتی اگر ارزش اثباتی کمی داشته باشد. در این راستا، تمایل به حضور بزه‌دیده در فرایند دادرسی از اواخر قرن بیستم پر رنگ شد و در قرن بیست و یکم نیز ادامه پیدا کرده است (Kirchengast, 2016: 306). به طوری که امروزه حساسیت نسبت به بزه‌دیدگان بیشتر شده است و طبیعتاً می‌تواند منجر به اصلاح الگوهای تعقیب عمومی دعوا و ارائه ادله از سوی دادستان در جهت پُر رنگ شدن نقش بزه‌دیده در نظام‌های قضایی شود. بدین ترتیب، زنان بزه‌دیده باید در جهت اثبات اتهام مرتکبان جرایم جنسی نقشی فعال داشته باشند تا به کمک آنان رویدادهای جنایی آشکار شوند (Simmons, 2007: 911). این امر اساسی یکی از اصول دادرسی منصفانه و توافقی می‌باشد، زیرا بزه‌دیده منشأ دلیل است و اظهاراتش از وسایل اثبات دعواست. البته این وظیفه قاضی است که در میان ادله ارائه شده مانند صافی عمل کند. چون در بعضی موارد ممکن است بزه‌دیده شکایت واهی نموده باشد و در دادگاه نیز ادعاهای نادرست نماید و دیگران نیز این قبیل اتهام را ممکن است به راحتی باور کنند و موجبات محکومیت شخصی که مرتکب آن جرم نشده است فراهم گردد (التاویلا، ۱۳۸۴: ۲۶۵). به همین منظور حضور متخصصان بزه‌دیده‌شناسی قانونی از ابتدای شروع تحقیقات تا زمان صدور رأی می‌بایست حضوری فعال باشد.

دلایل زیادی برای گزارش غیرواقع وجود دارد از قبیل اخاذی، دریافت حس همدردی، انتقام‌جویی و پوشش گذاشتن بر جرم دیگر. گاهی زنانی که به بیماری‌های روانی مبتلا هستند ادعاهای واهی را مطرح می‌کنند که در این حالت هم پرستاران قانونی و سایر دست‌اندرکارانی که در حوزه بزه‌دیده‌شناسی قانونی فعالیت دارند می‌توانند اظهارات وی را ارزیابی نمایند. در جرایم جنسی برخی زنان با خیال‌بافی و ادعاهای کذب سعی در منحرف کردن جریان دادرسی دارند، لذا در مواردی که زنی ادعای تجاوز جنسی نماید بزه‌دیده‌شناس قانونی می‌بایست ادعاهای واهی را تشخیص دهد. لازم به ذکر است که زنان نوعاً مردانی را متهم می‌نمایند که قبلاً با وی ارتباط

داشته‌اند (Turvey & Patherick, 2009: 287). همچنین، زنی که در فرایند دادرسی بیان می‌کند مردی به وی تجاوز کرده است ممکن است به دلیل ناراحتی از خیانت وی یا به دلیل عدم پرداخت مبلغی که مدت‌نظر زن برای ارائه خدمات جنسی توسط وی بوده است، باشد. برای نمونه، در یکی از ایالت‌های امریکا زن ۱۸ ساله‌ای گزارش نمود که شب‌هنگام در حال عبور از روبروی یک ساختمان غیرمسکونی بوده است که یک‌باره سه مرد جوان یقه وی را گرفته و وی نیز شروع به اعتراض و فریاد کرده است؛ اما آن‌ها او را به داخل ساختمان برده‌اند و به‌رغم مقاومت وی، هر سه نفر به او تجاوز کرده‌اند. بزه‌دیدة شناسان قانونی به دلایل زیر به صحیح بودن دعوای وی شک و تردید کرده‌اند: همسایه کنار ساختمان با اینکه فاصله کوتاهی با محل حادثه داشته ولی متوجه هیچ صدایی نشده است. آزمایشات بدنی نشان داده که وی رابطه جنسی داشته است اما به‌عنف نبوده است و در نهایت مشخص شد که دختر بارها برای به دام انداختن مردان به آن محل مراجعه کرده است و با آن سه نفر در مقابل یک دلار برای رابطه جنسی توافق کرده است، اما ایشان پول را به وی نداده‌اند و حتی یکی از آنان کفش دختر را برای نامزدش سرقت کرده است. به همین منظور دختر نیز به دروغ جریان را طور دیگری گزارش داده است (سوانسون و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۲۳-۴۲۲).

مواردی که می‌تواند موجب شناسایی گزارش‌های غیرواقعی زنان در جرایم جنسی شود به شرح ذیل است:

- زنی که ادعا کند از محلی شلوغ ربوده شده است و هیچ شاهدهی هم ندارد. برای نمونه در پرونده مطروحه در مشهد زنی ادعا نموده که سه مرد وی را در خیابان ربوده و مقداری طلا از وی سرقت کرده و به او تجاوز کرده‌اند؛ اما قاضی دادگاه با این استدلال که سوار نمودن شاکیه به اتومبیل با اجبار و اکراه و سپس ربودن وی که محل اعلام شده از شلوغ‌ترین خیابان‌های شهر مشهد است امری بعید می‌باشد و همچنین در مسیر حرکت اعلام شده از سوی شاکیه چهارراه‌های متعددی وجود داشته که نامبرده می‌توانسته با ایجاد سر و صدا از دیگران برای نجات خود استمداد نماید؛ اتهامات عنوان شده متهمان را غیر وارد تشخیص داده است و حکم برائت آنان را صادر نموده است.
- زنی که اعلام نموده در اواسط روز و در خیابانی پر ازدحام مورد حمله مرتکبی که صورتش پوشیده بوده است قرار گرفته است.
- زنانی که تحت درمان مشکلات ناشی از بیماری‌های روانی هستند.
- زنانی که نمی‌توانند جزئیات حادثه را شرح دهند، زیرا برخی جزئیات وجود دارند که فقط قربانی می‌تواند تشریح نماید نه صرفاً شاکیه.

- زنانی که قبلاً سابقه اظهارات واهی داشته‌اند.
- زنانی که در مواقع حیاتی تحقیقات و دادرسی شروع به گریه می‌کنند تا به سؤالات کلیدی پاسخ ندهند.
- زنانی که به هر نوع موجب اخلال در فرایند اثبات جرم شوند و یا محل وقوع جرم یا مرتکب را مشخص نمی‌کنند (Mc Grath, 2000: 45).

۳.۲. توجه به اظهارات بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم

بیان تأثیر جرم بر بزه‌دیده (VIS)^۱ گزارشی است که بزه‌دیده یا خانواده وی آسیب‌هایی که در اثر جرم تجربه کرده‌اند را اعلام می‌کنند. این فرایند ابتدا در امریکا و کانادا شروع شده و در انگلستان از آن‌ها به‌عنوان بیانیه‌های شخصی بزه‌دیدگان یاد می‌شود. این تأثیرات می‌تواند ناشی از آسیب‌های فیزیکی، روانی و مالی باشد که یا مرتکب به آن اقرار کرده و یا گناهکار شناخته می‌شود (Miller, 2014: 797). جنبش حمایت از بزه‌دیدگان موجب گسترش چشم‌گیر توجه به اظهارات بزه‌دیدگان شد (Bandes, 2009: 2-3). اگر اصل تناسب شدت مجازات با جرم^۲ قرار است در دادگاه‌ها رعایت شود، اظهارات بزه‌دیده می‌تواند در تصمیمات قضایی تأثیرگذار باشد. شاید اظهارات بزه‌دیدگان باعث شود مقام قضایی جرم ارتكابی را شدیدتر از آنچه تصور می‌کرد ببینند و از این دیدگاه مخالف حقوق متهمان باشد، اما در مقابل ممکن است تخفیف کیفر مرتکب را نیز به همراه داشته باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که هرچند در خصوص رعایت حقوق متهم نگرانی‌هایی وجود دارد، اما این نگرانی نباید باعث شود تا اظهارات بزه‌دیدگان در فرایند رسیدگی مغفول واقع شود، زیرا در کنار تشفی خاطر بزه‌دیدگان، ارزش اطلاعاتی اظهارات آن‌ها می‌تواند در رعایت هرچه بیشتر اصل تناسب به کار برده شود.

اظهارات زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی که توسط آنان در فرم‌های مخصوص مکتوب شده است قبل از صدور حکم به دادگاه ارائه می‌شود. این شیوه، زنان بزه‌دیده و خانواده آنان را که معمولاً در فرایند دادرسی فراموش شده‌اند، قادر می‌سازد تا با صراحت و به زبان خود جزئیات را شرح داده و بیان کنند که چگونه ارتکاب جرایم جنسی زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده است. هرچند هدف اصلی از اجرای این شیوه در دادگاه، حمایت از بزه‌دیدگان است، اما از این طریق نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرم نیز می‌تواند نمایان شود. برای نمونه زنانی که با بی‌احتیاطی در یک قرار عاشقانه

1. Victim Impact Statement

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص تناسب جرم و مجازات رجوع کنید به: رحمدل، منصور، تناسب جرم و مجازات، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۴.

بزه‌دیده جرایم جنسی می‌شوند کمتر از زنانی که توسط شخص بیگانه، بزه‌دیده می‌شوند بی‌گناه هستند. در عمل، در آمریکا و کانادا اظهارات بزه‌دیده در جرایم جنسی بیشتر برای رد دعوی بزه‌دیده بکار می‌رود تا اعتبار بخشیدن به آن. این موضوع مورد انتقادات جدی گروه‌های فمینیست قرار گرفته است (Schuster & Proppen, 2006: 665). به‌رحال مرکز توجه دادگاه به اظهارات زنان بزه‌دیده، تأثیر جرم ارتکاب یافته بر آنها است و معمولاً شامل اطلاعاتی از قبیل مشخصات مرتکب، خسارات مالی، فیزیکی و روانی بزه‌دیده و نیازهای اولیه برای خدمات پزشکی و روانشناسی آنان می‌باشد (Myers & Green, 2004: 492- 511).

همان‌طور که اشاره شد خانواده زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی که بزه‌دیده غیرمستقیم جرم هستند نیز می‌توانند اظهارات خود را در دادگاه ابراز نموده و تأثیراتی که جرم بر آنها گذاشته است را تشریح نمایند. هرچند گاهی ترس از آبرو موجب می‌شود خانواده‌ها شکایتی مطرح نمایند. برای نمونه در پرونده شماره ۹۷...۹۰ دختر پانزده ساله‌ای از خانه فرار می‌کند و گرفتار باند فساد اخلاقی شده و ارتباط‌های نامشروع متعددی با وی صورت می‌گیرد و پس از مدتی، باند فساد شناسایی و اعضای آن دستگیر می‌شوند. پدر وی نیز پس از آگاهی از موضوع در دادگاه حاضر شده و ضمن بیان خسارات روحی و روانی شدیدی که از این جهت به خانواده‌شان وارد شده اظهار داشته است که به دلیل حفظ آبرو و ترس از سرزنش دیگران حتی فرار دخترم را گزارش نکردم و اکنون که باند فساد شناسایی و دستگیر شده‌اند شکایتی ندارم.

توجه به اظهارات زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی مزایای متعددی دارد که همگی در عادلانه‌تر شدن فرایند رسیدگی مؤثر می‌باشند. این شیوه می‌تواند موجب آرامش خاطر بزه‌دیده به‌خاطر روبرو شدن با متهم و بیان آسیب‌هایی که در اثر جرم دیده است شود. متهم نیز پس از اظهارات بزه‌دیده ممکن است شدت آثار جرمی را که مرتکب شده است درک کند. همچنین، آگاهی قضایی از اطلاعاتی که زنان بزه‌دیده در دادگاه ارائه می‌دهند می‌تواند موجب صدور آرا عادلانه‌تر شود و در کنار آن اصل تناسب جرم با کیفر نیز بیشتر رعایت شود. علاوه بر این، ایجاد فرصت بیان اظهارات برای زنان بزه‌دیده می‌تواند منجر به تمایل بیشتر آنان در گزارش جرایم جنسی شود، زیرا درمی‌یابند که دستگاه عدالت کیفری رنجی که آنان در اثر بزه‌دیدگی‌شان کشیده‌اند را درک کرده است. مشارکت زنان بزه‌دیده در فرایند رسیدگی به جرایم جنسی در دادگاه می‌تواند منجر به رضایت بیشتر از نظام قضایی کشورها نیز گردد.

در ایران نیز، با اینکه طبق بند پ ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شاکی اظهارات خود را در دادگاه بیان می‌کند و مطابق ماده ۳۷۱ همان قانون چنانچه قبل از خاتمه رسیدگی شاکی مطلب جدیدی داشته باشد استماع می‌شود، اما این موضوع به‌صورت منسجم و با

سازوکارهایی که در VIS اشاره شد در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است. در رویه دادگاه‌ها نیز عملاً زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی در صورت احضار از طرف دادگاه صرفاً برای اثبات جرم و به کیفر رساندن مرتکب دعوت می‌شوند، زیرا جرم عملی تلقی می‌شود که نظم عمومی جامعه را بر هم زده است، اما آسیب‌های فیزیکی و روانی و حیثیتی‌ای که زنان در این دسته جرایم متحمل می‌شوند به فراموشی سپرده می‌شود. با این وجود با توجه به اینکه هدف اصلی بزه‌دیده-شناسی قانونی پیشگیری از ارتکاب جرم، اثبات آن و کاهش اشتباهات قضایی است، لذا حضور زنان در دادگاه‌ها ولو با هدف اثبات جرم نیز که باشد حداقل، زمینه تحقق یکی از اهداف بزه‌دیده‌شناسی قانونی را فراهم می‌نماید. در کنار آن، استماع اظهارات زنان بزه‌دیده طبق مواد ۳۵۹ و ۳۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌تواند منجر به صدور احکام کیفری با ضریب اشتباه کمتر شود.

نتیجه‌گیری

پیامد ظهور بزه‌دیده‌شناسی قانونی که به صورت روش‌مند عمل می‌کند آن است که شیوه‌های سنتی و غیرعلمی کشف جرم و اثبات آن دیگر به تنهایی پاسخگوی نیازهای دستگاه عدالت کیفری و جامعه نمی‌باشد. این شاخه از علوم جنایی اثباتی تمام جزئیات جرایم جنسی علیه زنان را بررسی می‌نماید و در صورت امکان، تمام دلایل بزه‌دیدگی زنان را جمع‌آوری می‌کند تا ضمن کشف جرم و تعیین مرتکب، استانداردهایی را تهیه نموده تا در جرایم جنسی مشابه برای کشف جرم بدون اتلاف زمان و با امکان اشتباه کمتر، مورد استفاده قرار دهد. تعدیل مظلوم‌انگاری زنان بزه‌دیده به موازات حمایت از آنان نیز یکی دیگر از محورهای مطالعاتی این روش علمی است؛ زیرا در حال حاضر از یک طرف، فعالیت‌ها و شعارهای فراگیر جنبش‌های حمایت از بزه‌دیدگان و از طرف دیگر، فشار جامعه و رسانه‌ها بر قضات برای صدور احکام شدیدتر علیه مرتکبان جرایم جنسی، ممکن است موجب صدور آراء ناعادلانه یا نامتناسب شود. در حالی که خود زنان بزه‌دیده نیز ممکن است در وقوع جرایم جنسی نقش داشته باشند. این امر با شیوه‌های مختلف علمی از قبیل مطالعه عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی زنان و یا پرستاری قانونی قابل تشخیص است.

از آنجاکه از یک طرف، جرایم جنسی امنیت جامعه را مخدوش می‌کند و از طرف دیگر، پزشکان و بیمارستان‌ها تمایلی به ورود به چرخه عدالت کیفری و جمع‌آوری ادله قانونی ندارند، لذا تشکیل گروه یا سازمانی که بتواند بعد از بزه‌دیدگی زنان اقدامات لازم را به صورت فوری انجام دهد ضروری است. در این راستا، گروه یا سازمان فوق می‌تواند در زیرمجموعه پزشکی قانونی و یا به صورت مستقل و تا آنجا که با وظایف این نهاد در تعارض نباشد عمل نماید. همچنین این گروه یا سازمان می‌تواند با توجه به دسته‌های بزه‌دیدگان یا انواع جرایم، به شاخه‌های مختلفی تقسیم شود که یکی از آن‌ها ویژه زنان بزه‌دیده جرایم جنسی باشد تا بلافاصله پس از وقوع جرم، علاوه بر درمان‌های

تخصصی جسمی و روانی، معاینه لازم از بزه‌دیده را برای از بین نرفتن ادله موجود انجام دهند و مراقبت‌های پزشکی را نیز از وی به عمل آورند.

از آنجا که تهاجم جنسی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا تشکیل گروه‌های پاسخ به تهاجم جنسی در راستای هماهنگی و کارآمدی بیشتر نهادهای پاسخ‌دهنده به جرایم جنسی از قبیل پزشکی قانونی، پرستاری قانونی، ضابطان قضایی و دستگاه قضایی در ایران ضروری است. این گروه‌ها علاوه بر نقش هماهنگی، می‌توانند در معالجه زنان بزه‌دیده، خدمات حمایتی و جمع‌آوری دلایل وقوع جرم به نهادهای فوق‌الذکر کمک نمایند.

تشکیل پرونده شخصیت بزه‌دیدگان در برخی جرایم مانند جرایم جنسی، در کنار پرونده شخصیت متهمان که از دستاوردهای جرم‌شناسی بوده و در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده است می‌تواند نتایج مفیدی داشته باشد. برای نمونه علاوه بر این‌که اصل فردی کردن مجازات‌ها بهتر و راحت‌تر صورت می‌پذیرد؛ اطلاعات حاوی وضعیت روانی، اجتماعی و ... بزه‌دیده می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی مؤثر باشد. بدین نحو که با تشکیل پرونده شخصیت زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی، دستگاه عدالت کیفری می‌تواند از اطلاعات بزه‌دیدگان این جرایم الگوهای مشترکی را استخراج نماید. به عبارت دیگر، با ویژگی‌های زنانی که قربانی شده‌اند، زمان و مکان بزه‌دیدگی آن‌ها، ارتباط یا عدم ارتباط قبلی آن‌ها با مرتکبان و ...، نیم‌رخ بزه‌دیدگی زنان را می‌توان ایجاد کرد تا با دقت بیشتری به اهداف فوق‌الذکر دست یافت.

یکی از دغدغه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی کم‌رنگ بودن نقش زنان در فرایند دادرسی است. علاوه بر اینکه اظهارات زنان از تأثیراتی که جرایم جنسی بر آن‌ها گذاشته است باید به مقام قضایی ارائه شود؛ باید بتوان از آنان به‌عنوان منبع اصلی اطلاعات برای کشف و اثبات جرم استفاده کرد. البته از آنجا که زنان در خصوص بزه‌دیدگی جنسی خود باید اطلاعات دقیق و با جزئیات کامل بدهند لذا بنا به برخی دلایل مانند حس شرمساری و ... حضور زنان به‌عنوان مقام قضایی یا مشاور در فرایند رسیدگی به جرایم جنسی ضروری است.

استفاده از زنان بزه‌دیده به‌عنوان منبع اطلاعاتی مؤثر در کشف و اثبات جرم مستلزم پیش‌بینی حقوق مشخصی برای آنان در فرایند دادرسی است. خلاف این موضوع مهم در آیین دادرسی کیفری در مواردی به چشم می‌خورد. در مواردی که زنان بزه‌دیده ممکن است برای کشف حقیقت درخواستی مبنی بر برخی اقدامات مانند استماع شهادت شهود، مواجهه حضوری با متهم و معاینه یا تحقیقات محلی در فرایند تحقیقات ارائه دهند، مقام تحقیق مکلف به پذیرش آن نیست. برای نمونه مستفاد از ماده ۱۲۳ قانون مزبور بازپرس مکلف به پذیرش درخواست شاکی به انجام تحقیقات محلی نمی‌باشد و می‌تواند آن را رد کند که قابل اعتراض نیز نبوده و این امر خلاف اصل دادرسی منصفانه است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که اگر به ادله ارائه شده توسط

زنی که بزه‌دیده‌ی یکی از جرایم جنسی شده است توجهی توسط مقام قضایی نشود، آیا این امر می‌تواند منجر به بطلان تحقیقات قانونی شود؟ در پاسخ باید گفت که قانون‌گذار ایران بی‌اعتباری تحقیقات را در این موارد پیش‌بینی نکرده است و ضروری است در مقام اصلاح قانون فوق و به‌منظور حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، عدم توجه به حقوق آنان را موجب بی‌اعتباری تحقیقات جنایی بداند.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ چهل و یکم، تهران: انتشارات میزان.
- آشوری، محمد و خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری»، **مجله آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۲، ص ۳۶-۳.
- التاویلا، انریکو (۱۳۸۴)، **روانشناسی قضایی**، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- دی میت. ترنس و دیگران (۱۳۹۱)، **نیمرخ‌های جنایی (آناتومی اشخاص، مکان‌ها و موقعیت‌های خطرناک)**، ترجمه علی نجفی توانا و ایوب میلیکی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- زینالی، حمزه (۱۳۸۳)، «اثر فقدان حمایت کیفری از زنان بزه‌دیده بر بزه‌دیدگی آنها»، **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال سوم، شماره ۱۳، ص ۲۲۲-۱۹۷.
- سوانسون، چارلز، ر، چاملین، نیل. سی و لئوناردو تری تو (۱۳۹۳)، **تحقیقات جنایی**، ترجمه مهدی نجابتی و دیگران، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- شاهیده، فرهاد (۱۳۹۳)، **بزه‌دیده‌شناسی (نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و تعیین کیفر)**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- شاهیده، فرهاد و جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۲)، «رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران»، **مجله آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۵، ص ۱۵۴-۱۲۷.
- شایان، علی (۱۳۸۴)، **عدالت برای بزه‌دیدگان**، چاپ اول، تهران: انتشارات سلسبیل.
- صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۰)، «قربانی‌شناسی، راهی به سوی افزایش احساس امنیت اجتماعی»، **فصلنامه پژوهش اجتماعی**، ویژه‌نامه، ص ۵۴-۳۹.
- کاریو، روبر، «درآمدی بر علوم جنایی» (۱۳۸۸)، ترجمه باقر شاملو، **تازه‌های علوم جنایی** زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

کوره پز، حسین محمد (۱۳۹۴)، «نیمرخ سازی جنایی: تکنیکی نوین در شناسایی بزهکاران سریالی»، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، ص ۱۴۶-۱۱۱.

لاسال، ژان ایو (۱۳۷۹)، «تحولات علوم جنایی و آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی در فرانسه»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۱-۳۲، ص ۲۴۸-۲۳۱. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۱)، *حقوق جزای انگلستان*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیر نظر) (۱۳۹۳)، *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۳۸-۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران (۱۳۸۴)، «میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۲ و ۵۳، ص ۷۴-۸.

Amir, Menachem (1971), *Patterns in forcible rape*, Chicago: university of Chicago press.

Bandes, S. (2009), *Victims, closure, and the sociology of emotion*, *Law & contemporary problems*, 72 (1), 1-26.

Bennet, T (1998), *Crime and prevention*, New York, Oxford University Press.

George, W.H. and L.J, Martinez. (2002), *Victim Blaming in Rape: Effect of Victims and Prepetrator Race, Type of Rape, and Participant Racism*, *Psychology of Women Quarterly*, 26 (2), 303-334.

Gottfredson.M. (1984), *Victims of crime: the dimensions of risk*, Home Office Research Study. No.81, London: HMSO.

Hammer, Rita. Moynihan, Barbara and Pagliano, Elaine (2011), *Forensic Nursing: a Handbook for practice*, Jones and Bartlett Publihers.

Henning, K. and R. Holdford (2006), *Minimization, Denial, and Victim Blaming by Batterer: How Much Does the Truth Matter?* *Criminal Justice and Behaviour*, 33 (1), 110-130.

Kirchengast, T. (2016), *Victim and the Criminal trial*, Macmillan Publication.

Kocsis, Richard (2007), *Criminal profiling: International Theory, Research and Practice*, Humana Press.

Lynch, Virginia A. (1995), *Clinical Forensic Nusring*, *Critical Care Nurthing Clinics of North America*, 7.3, 489-507.

Matsumoto, David (2009), *the Cambridge University of Psychology*, Cambridge University Press.

McGrath, M. (2000), *False Allegation of Rape and Criminal Profiler*, *The journal of Behavioral profiling*, No 3.



- Meier, Robert F. and Terance D. Miethe (1993), Understanding Theories of Criminal Victimization, *Crime and Justice* 17, 459-493.
- Miller, K (2014), Relational Caring: The use of the Victim Impact Statement by Sexually Assaulted Women, *Violence and Victim*, Volume 29, NO 5, 797-814.
- Muller, Damon (2011), Criminal Profiling: Real Science or Just Wishful Thinking?, *Homicide studies*, vol 4, No 3, 234-264.
- Myers, Bryan & Greene (2004), Edith, The Prejudicial Nature of Victim Impact Statement, *Public Policy and Law*, Vol 10, 492-515.
- Petherick, Wayne A, Turvey, Brent E, Ferguson, Clarie E (2010), forensic criminology, United state of American, Elsevier Academic Press.
- Petherick, Wayne A, Turvey, Brent E (2009), *Forensic Victimology*, Academic Press of Elsevier.
- Pokorak, J. (2007), Rape Victim ans Prosecutors: The Inevitable Ethical Conflict of De Facto Client/Attorney Relationship, *South Texas Law Review*.
- Rock, P. (2007), *Theoretical Perspectives on Victimization*, William Publishing.
- Schuster, M.L., & Proppen, A (2006), *Watch victim impact statement study*, Minneapolis.
- Siegal, L. *Criminology* (2016), Theories, Patterns and Typologies. Belmont, CA: Thomson Wadsworth.
- Simmons, R (2007), *Private Criminal Justice*, Wake Forest Law Review.
- Turvey, B and Petherick, W (2009), *Forensic Victimology*, Academic Press of Elsevier.
- Turvey, B (2008), *Criminal Profiling*, San Diego: Elsevier Science.
- Ullman, Sarah E. and Henrietta H, Filipas and others (2006), The Role of Victim Offender Relationship in Women's Sexual Assault Experiences, *Journal of Interpersonal Violence*, Vol 21, No 6, 789-815.

قوانین و مقررات

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲.